

## تا کنون گفتیم:

بحث از مقدمه واجب نمی‌تواند از مبادی احکامیه و مبادی تصدیقیه باشد

اما آیا این بحث از مسائل فقهی یا کلامی نیست؟

سوال: آیا بحث از مقدمه واجب از مسائل کلامی است؟

علیرغم اینکه این احتمال مطرح شده است<sup>۱</sup>

ولی به نظر می‌رسد نمی‌توان به این مطلب قائل شد، چرا که تنها توجیهی که می‌تواند به این مطلب کمک کند آن است که بگوئیم چون بحث از مقدمه واجب بحث از حکم عقل است پس مسئله کلامی است.

در حالیکه در تعریف علم کلام دو تعریف مشهور است:

الف) «علم یبحث فیه عن الاعراض الذاتیه للوجود من حیث هو هو علی قاعده الاسلام»<sup>۲</sup>

ب) «علم یبحث فیه عن ذات الله وصفاته و افعاله و احوالات الممكنات من حیث المبدء و المعاد علی قانون الاسلام»<sup>۳</sup>

و روشن است که بحث از ملازمه بین وجوب ذی المقدمه و وجوب مقدمه، تحت این دو تعریف جای ندارد.

ان قلت: علم کلام صرفاً مشتمل بر مسائل مربوط به مبدء و معاد نیست بلکه بحث از نبوت پیامبر ص و ولایت اهل بیت هم از زمره مسائل علم کلام است.

قلت: اگر چنین تعریفی از علم کلام هم بپذیریم، باز بحث از مقدمه واجب داخل در علم کلام نمی‌شود، چراکه:

مسائل علم کلام، مسائلی است که نتیجه آنها «اثبات مبدء و معاد و صفات و افعال الهی و حقانیت اسلام و مذهب حق است» و بحث از مقدمه واجب از زمره این مباحث نیست.

با توجه به آنچه گفتیم معلوم می‌شود که کلام مرحوم نائینی که (خواهیم خواند) صحیح نیست چراکه این بحث را نمی‌توان به هیچ عنوان از زمره مسائل علم کلام به حساب آورد (اگر چه در این بحث جهت کلامی وجود داشت می‌شد این مسئله را هم از مسئله اصولی دانست و هم مسئله کلامی، چراکه در بحث‌های ابتدایی گفتیم که یک قضیه می‌تواند به جهات متعدد از مسائل علوم مختلف به حساب آید).

۱. ن ک: تحقیق الاصول، ج ۲، ص: ۲۴۷

۲. شوارق الاسلام، ص: ۹

۳. تعریفات الجرجانی، ص: ۲۳۷



مرحوم نائینی می نویسد:

«اما جعلها من المبادئ الأحكامية التي قد عرفت الحال فيها في أول الكتاب أو من المسائل الكلامية فغير صحيح بعد فرض

صحة عقدها أصولية نعم لو لم يكن فيها جهة أصولية لصح عقدها من المبادئ مرة و كلامية أخرى»<sup>١</sup>

